

ظاهر این جمله بدان معناست که از نگاه دولت بایستن، اگر قرار است منازعه بین دو طرف ادامه پیدا نکند، حملات متقابل باید از هدف قرار دادن مستقیم به درگیری غیرمستقیم تقلیل پیدا کند یعنی بازگشت به همان شرایطی که پیش از حمله موشکی ایران به اسرائیل جریان داشت.

این در حالی است که بازگشت به شرایط گذشته هم دیگر مقذور به نظر نمی‌رسد. از زمان نخستین حمله موشکی ایران به اسرائیل در بهار امسال، توازن قوا بر روی زمین دستخوش تغییرات جدی شده است. دولت آمریکا به هم خوردن توازن قوا به خصوص در لبنان را به نفع پیشبرد برنامه دیپلماتیک خود برای منطقه می‌داند و ظاهراً امیدوار است که جمهوری اسلامی با خویشتن‌داری در برابر حمله جمعه شب اسرائیل، با این برنامه به نحوی همراه شود.

رئوس نقشه آمریکا برای نظم جدید در خاورمیانه به ترتیب زیر است: استقرار آتش‌بس در نوارغزه و آزادی اسیران اسرائیلی، سپردن نوارغزه به یک نیروی عربی برای اداره و بازسازی آن بدون حضور حماس، اجرای شدید و غلیظ قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل در لبنان به قصد عقب‌نشینی نیروهای حزب‌الله و به شمال رودخانه لیبانی و رفع خصومت دائمی بین لبنان با اسرائیل با تمام لوازم ضروریات آن، ترسیم‌نمایی از وعده تشکیل کشور مستقل فلسطینی با محدودیت‌های مشخص در آینده‌های نامشخص از طریق عادی‌سازی رابطه عربستان و دیگر کشورهای عرب و مسلمان با اسرائیل است. روشن است که در نظم مورد نظر دولت بایستن که عملاً از حمایت کامل یا نسبی یا مشروط سازمان ملل، اروپا، کشورهای عرب، چین و حتی روسیه نیز برخوردار است، نقشی برای تداوم سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی و اقدامات مسلحانه گروه‌های متحد آن در خاورمیانه در نظر گرفته نشده است. از این رو، از نگاه آنان، جمهوری اسلامی با باید با تغییر پاره‌ای از سیاست‌های خود، با نظم در حال ظهور همراه شود و یا با ایستادگی در مقابل آن تحت فشارهای فزاینده اقتصادی و دیپلماتیک و انزوای بی‌سابقه قرار گیرد.

از آنجا که روبرویی نظامی و مستقیم ایران و اسرائیل می‌تواند ثبات کل منطقه را به هم بزند و تا اطلاع ثانوی جایی برای استقرار هر نوع نظم و پیشبرد هر گونه طرح دیپلماتیک در خاورمیانه باقی نگذارد، بنابراین، استفاده از ابزارهای غیرنظامی در مواجهه با ایران، اولویت مورد نظر آمریکا و متحدان آن است. طبق این طرح، ابزارهای نظامی عمدتاً باید علیه آنچه «بازوهای مسلح» جمهوری اسلامی در سراسر منطقه نامیده می‌شود، به کار گرفته شود تا نهایتاً به راه حل سیاسی تن در دهند. در چارچوب سیاست دولت بایستن، اگر گروه‌های مسلح همسوی ایران در منطقه با طرح دیپلماتیک مورد نظر همراه شوند، آنگاه جمهوری اسلامی نیز با آن همراه خواهد شد. این روند اما با مسیری بسیار سخت و ناهموار روبروست، در درجه نخست، بلوک راست‌گرای افراطی حاکم بر اسرائیل همچنان با هرگونه «تصویرسازی» از یک کشور مستقل برای فلسطینی‌ها مخالف است. این بلوک افراطی در انتظار پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا است تا با کمک آن، مسیری کاملاً یک‌طرفه به سمت عادی‌سازی روابط اسرائیل با عربستان و دیگر کشورهای عرب گشوده شود. همین مسئله عربستان را نسبت به ورود به این مسیر مردد و متزلزل می‌کند.

از طرفی، امتیازات ناشی از سیاسی شدن گروه‌های مسلح همسو با جمهوری اسلامی در منطقه، هنوز صورتبندی مشخصی پیدا نکرده و بر روی میز مذاکره با خود آنها با ایران قرار داده نشده است، تا مشوقی احتمالی برای اندیشیدن درباره آن باشد. حتی اگر این امتیازات به صورتی روشن و مدون به مسئولان ایرانی پیشنهاد شود، هنوز دلیل روشنی وجود ندارد که توازن قوای داخلی پذیرش آنها را امکان‌پذیر کند.

بدین ترتیب، حمله اسرائیل به خاک ایران نه آغاز فصل تازه‌ای به نظر می‌رسد و نه پایان فصلی را رقم می‌زند. فعلاً این حمله اقدامی در میانه یک بحران مزمن و طولانی و پر از دردها است که انتهای آن هنوز قابل رؤیت نیست.

محمدرضا پهلوی گذاشت و تصمیم به فشار به آمریکا برای عضویت در این پیمان گرفت. محمدرضاشاه در این زمینه اعلام کرد: «پیمان بغداد بدون شرکت آمریکا به درد نمی‌خورد یا آمریکا باید وارد پیمان بغداد بشود یا ما از پیمان بغداد خارج می‌شویم. این چه پیمانی است که عراق که یکی از کشورهای عضو پیمان بغداد است از کشورهای اولیه بوده است که عضو پیمان بغداد شده این اتفاق عجیب و فجیع روی می‌دهد و هیچ‌کدام از هم‌پیمانان کاری نمی‌کنند دست رو دست هم گذاشتند و تماشا کردند». فشار بر آمریکا شامل تهدید به خروج از پیمان و مذاکره با شوروی برای انعقاد پیمان بود. در نهایت هر چند آمریکا عضو پیمان نشد ولی بر اثر فشارهای ایران اقدام به عقد قراردادهای دوجانبه‌ای با تهران کرد که اهداف و نیازهای ایران از دعوت و فشار به آمریکا برای عضویت در پیمان بغداد برطرف شد.

در مهر ۱۳۳۷، مقر پیمان از بغداد به آنکارا منتقل شد. سوم فروردین ۱۳۳۸ عراق از ائتلاف خارج شد و ادعاهای مرزی در بره ایران را در پیش گرفت و ضمن اخراج ایرانیان ساکن عتبات تحرکات نظامی را در مرزهای ایران آغاز کرد که در چند سال بعدی منجر به درگیری میان ایران و عراق شد. در ۲۷ مرداد ۱۳۳۸ در آنکارا اعلام شد که نام اتحادیه از «پیمان بغداد» به «سازمان معاهده مرکزی» که به اختصار CENTO نامیده می‌شود، تغییر یافته است. اعضا بدون تغییر باقی‌ماندند: یعنی ترکیه، ایران، پاکستان و بریتانیا، با ایالات متحده به عنوان یک شرکت‌کننده کامل. سنتو تا سال ۱۳۵۷ دوام آورد، زمانی که ایران در بیست اسفند ۱۳۵۷ پس از انقلاب اسلامی از سنتو خارج شد و اعلام کرد که این پیمان «فقط از منافع دولت‌های امپریالیستی محافظت می‌کند». وزارت امور خارجه دولت موقت در بیانیه خود اعلام کرده بود: «وزارت امور خارجه دولت موقت انقلاب اسلامی علی‌الاصول قرارداد سنتو را قراردادی نظیر و شبیه پیمان سعدآباد می‌داند. بر همگان پوشیده نیست که پیمان سعدآباد در زمان خود ثابت کرد که تنها حافظ منافع امپراتوری‌هایی که قصدی جز استعمار و استثمار مردمان منطقه و منافع سرزمین آنان را نداشته‌اند، نبوده است. تاریخ ثابت کرد، هنگامی که پیمان سعدآباد می‌توانست گامی برای صیانت دول متحد داشته باشد، خاموش و ساکت ماند و جبهانیان دیدند که بر کشورهای متحد پیمان سعدآباد چه گذشت.

پیمان سنتو نیز که در زمان خود با همان مقاصد و نظرات تعبیه شده است، ثابت کرد که این پیمان نتوانسته است تضمینی مؤثر و قابل اتکا و اعتماد برای کشورهای هم‌عضو منطقه دربر داشته باشد و تنها مانند پیمان سعدآباد متضمن منافع ابرقدرت‌ها بوده است. از همین روست که وزارت امور خارجه دولت ایران نمی‌تواند متعهد مفاد قراردادی باقی‌مانده که منافع مردم ایران و هم‌پیمانان او را حفظ و حمایت نمی‌کند و برخلاف در چینی قرار دارد که به زیان و ضرر این منطقه است. هم‌پیمان گرامی، پاکستان، نیز عقایدی مشابه و نظیر همین فکر را ابراز می‌دارد و بر این عقیده استوار است که مفاد پیمان مرکزی سنتو نتوانسته است مشکلاتی را که برای پاکستان از زمان استقلال این کشور پیش آمده است حل نماید و بلکه خطرات بین‌المللی بزرگی متوجه آن کرده است، ولی برعکس دولت موقت انقلاب اسلامی ایران برای پیشبرد همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی با دیگر متعقدان «پیمان عمران منطقه‌ای» خواهد ایستاد و از همکاری و اشتراک مساعی در امور اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با احتراز از هر نوع مداخله‌جویی ابرقدرت‌ها در آن کوشا خواهد بود و از این فکر نیز پافراتر نهاده، دست به سوی دیگر کشورهای هم‌جوار منطقه دراز می‌کند و از آنان صمیمانه دعوت می‌کند که در این همکاری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متعهد و همگام شوند. دولت انقلابی ایران اعتقاد دارد که باید هر چه بیشتر در گسترش این همکاری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گام بردارد و صمیمانه اعتقاد و رجا و ائثق دارد که در این راه بیشتر می‌تواند به صلح منطقه و حفظ تبادل بین‌المللی کمک کند.»

پاکستان نیز که از پیمان سنتو ناراضی بود و در جریان مناقشه با هند توقع داشت پیمان سنتو به نفع او روابط خود با هند را محدود کرده و حتی وارد محاصمه با این کشور شود در بیست و یک اسفند از ایران پیروی و اعلام کرد: «سازمان قادر به محافظت از امنیت پاکستان نیست.» و روز بعد ترکیه اعلام کرد که «سنتو عملاً عملکرد خود را در منطقه از دست داده است». این پیمان که با هدایت آمریکا و انگلیس و صرفاً با هدف مقابله با شوروی ایجاد شده بود در عمل نشان داد که سودی برای اعضای خود نداشته و در مورد سایر خطرات مانند آنچه در مورد اختلافات پاکستان با هند و افغانستان روی داد از اعضایش حمایت نمی‌کند. ایران و عراق نیز که جزء اعضای این پیمان بودند ده سال پس از خروج عراق از این سازمان و دو سال پس از انحلال آن وارد جنگ با هم شدند و بهبودی پیمان بیش از پیش خود را نشان داد. تنها کارکرد مهم پیمان تسلط نظامی و امنیتی آمریکا و انگلیس بر کشورهای عضو و وابستگی این کشورها به این دو قدرت بود و در نهایت با انحلال این سازمان به پایان رسید.

محرمانه به شور و بحث گذاشته شده بود. در همان اثنا حسین علاء با حضور در یکی از جلسات مجلس شورای ملی در پاسخ به سوال یکی از سناتورهای مجلس گفت: «الحاق ایران به پیمان دفاعی از هر نظر یک امر حیاتی است چون بعد از اینکه همسایگان هم‌کیش ایران متفقاً در این پیمان شرکت نموده‌اند، وضع ایران در صورت کناره‌گیری از این سیاست به کلی فوق‌العاده غامض و پیچیده می‌گردید و به اصطلاح سیاسی در صورت کناره‌گیری ایران از روش همسایگان خود، این کشور خلأ سیاسی یعنی جزیره محصور می‌شد که از هر طرف راه برایش مسدود می‌شد.» در واقع با پیوستن پاکستان به این اتحادیه نظامی ایران میان سه کشور عضو آن قرار گرفته بود و فشارها بر ایران برای عضویت افزایش پیدا کرد اما ایران از واکنش شوروی بیمانک بود و در ابتدا ترجیح می‌داد براساس قرارداد ۱۹۲۱ روابط دوستانه با همسایه شمالی را حفظ کند؛ به‌ویژه که در جریان جنگ جهانی دوم نیز بر سر بحران آذربایجان و موضوع نفت شمال وارد چالشی جدی با همسایه قدرتمند شمالی شده بود و این بحران به تا‌زگی به پایان رسیده بود. با این حال فشارها بر ایران جواب داد و ایران تحت فشار آمریکا به این پیمان پیوست و علاء در تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۳۴ ماده واحده لایحه الحاق ایران به پیمان بغداد را به دستور شاه به مجلس سنا فرستاد. کمیسیون مجلس سنا، ماده واحده پیشنهادی دولت را در ۲۳ مهر تصویب کرد. سه روز بعد، در ۲۶ مهر، نمایندگان مجلس سنا با رأی موافق در برابر ۴ رأی مخالف، الحاق ایران به پیمان بغداد را تصویب کردند و چهار روز بعد در ۳۰ مهر ۱۳۳۴ مصوبه مجلس سنا به اتفاق آراء و بدون هیچ مخالفتی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و صورت قانونی گرفت. مصوبه مجلس سنا و مجلس شورای ملی در روز سوم آبان ۱۳۳۴ به امضای شاه رسید و در روز ششم آبان اجرا به دولت ابلاغ شد و اسناد الحاق ایران به پیمان ۱۰ آبان به ستاد آن که در بغداد مستقر بود، فرستاده شد. در این ماده واحده آمده بود: «الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل مورخ بیست و چهارم فوریه ۱۹۵۵ منعقد بین دولت پادشاهی عراق و دولت جمهوری ترکیه مشتمل بر هشت ماده که دولت انگلستان در تاریخ چهارم آوریل ۱۹۵۵ و دولت پاکستان در تاریخ بیست و سوم سپتامبر ۱۹۵۵ به آن ملحق شده‌اند تصویب می‌شود.»

در بجاویج پیوستن ایران به پیمان بغداد سه یادداشت اعتراض‌آمیز توسط دولت وقت شوروی به مقامات ایرانی تسلیم شد. مقامات شوروی همچنین در واکنش به اقدام ایران برنامه مسافرت موسیقیدانان روس به ایران را لغو کردند و از تحویل گرفتن برنج صادراتی ایران که براساس قرارداد رسمی تجارته در سال ۱۳۳۴ منعقد شده بود، خودداری کردند. خروشچف، دبیرکل حزب کمونیست و نخست‌وزیر شوروی، به صراحت گفت: «پیمان بغداد را علیه اتحاد شوروی می‌داند اما صبر می‌کند و حوصله به خرج می‌دهد تا خودش مانند حباب صابون بترکد.»

انحلال پیمان سنتو

عراق پس از کودتای ژنرال عبدالکریم قاسم در ۲۳ تیر ۱۳۳۷ و سرنگونی نظام سلطنتی، از پیمان بغداد خارج شد و این پیمان ضربه‌ای اساسی خورد. در کودتای نظامی در عراق خاندان سلطنتی عراق شامل ملک فیصل، ولیعهد و نخست‌وزیر، نوری سعید، همگی به قتل رسیدند. کشتار خاندان سلطنتی عراق تأثیر روحی شدیدی بر محمدرضا شاه داشت و چه‌بسا شاه وضعیت احتمالی خودش در صورت وقوع انقلاب یا کودتا را در سرنوشت خاندان سلطنتی عراق می‌دید و از آن نگران بود. رژیم نظامی جدید عراق بلافاصله از عضویت پیمان خارج نشد، اما دیگر در کار اتحادیه شرکت نکرد. امیر خسرو افشار قاسملو که در روند پیوستن ایران به پیمان بغداد نقش داشته در این باره مدعی شده است که کودتا در عراق تأثیر بدی بر

سازمان ملل متحد در رابطه با حفظ صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه بر عهده دارند که انجام اقدامات لازم مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد را ضروری می‌سازد. آنها به ضرورت انعقاد پیمانی برای تحقق این اهداف کاملاً متعاقب شده‌اند.» در ماده یک پیمان آمده است: «طرفین معظمین متعاهدین برای امنیت و دفاع مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد تشریک مساعی خواهند نمود. اقداماتی که برای عملی ساختن این تشریک مساعی در باره آنها موافقت می‌کنند ممکن است موضوع موافقتنامه‌های خاصی قرار گیرد.» ماده ۵۱ منشور ملل متحد که پیمان بغداد به آن اشاره داشت عنوان می‌کرد: «در صورتی که یک عضو ملل متحد مورد تجاوز مسلحانه واقع شود هیچ‌یک از مقررات این منشور به حق طبیعی دفاع مشروع انفرادی یا اجتماعی تا موقعی که شورای امنیت اقدام لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بعمل آورد لطمه وارد نخواهد آورد و اقداماتی که اعضاء برای اجرای حق دفاع مشروع بعمل می‌آورند باید فوراً به شورای امنیت اطلاع دهند ولی این اقدامات به هیچ وجه در اختیارات و وظایفی که شوروا بر طبق این منشور دارد و به موجب آنها در هر موقع روشی را که برای حفظ و یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لازم می‌داند می‌تواند اتخاذ کند تأثیری نخواهد داشت.»

شکل گیری، توسعه سازمان پیمان مرکزی با تلاش‌های انگلیسی-آمریکایی برای مهار اتحاد جماهیر شوروی در خاورمیانه اتفاق افتاد. تشکیل این اتحادیه به سیاست‌های دفاعی بریتانیا و آمریکا پس از جنگ در خاورمیانه و پروژه‌های دفاعی جمعی آنها در منطقه، وابسته بود. اعضای این پیمان آشکارا از کشورهای وابسته یا نزدیک به بریتانیا تشکیل شده بود. عراق و ترکیه دو کشوری که در جریان مذاکرات پس از جنگ جهانی اول از دل پیمان با بریتانیا به وجود آمده بودند و پاکستان نیز با وجود استقلال از استعمار همچنان عضو اتحادیه کشورهای مشترک‌المنافع بود و هم‌پیمان بریتانیا محسوب می‌شد و پیمان بغداد و عضویت کشورهای منطقه نیز با اصرار و پیگیری بریتانیا در حال شکل‌گیری بود؛ در آن سال‌ها آمریکا از نفوذ شوروی نگران بود و بریتانیا هم از گسترش نفوذ جمال عبدالناصر در کشورهای عربی نگران بود. انگلستان و آمریکا پیمان بغداد را حلقه‌ای برای دفاع از خاورمیانه در برابر شوروی می‌دانستند. ایالات متحده قویاً از ایجاد پیمان حمایت کرد، اما به دلایل صرفاً فنی، هرگز عضویت رسمی را نپذیرفت. جمال عبدالناصر، رهبر مصر، در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های مطبوعاتی و گفت‌وگو با سران سیاسی کشورها، از انتقاد صریح به پیمان، خودداری نکرد. افغانستان، همسایه ایران و پاکستان با پیمان بغداد مخالف بود زیرا از یک سو با پاکستان اختلاف مرزی داشت و از سوی دیگر با شوروی موافقتنامه همکاری امضا کرده بود و از آن کشور کمک‌های تسلیحاتی می‌گرفت. هند، یکی از کشورهای بزرگ غیرمتعهد و مخالف پاکستان نیز با پیمان بغداد مخالف بود. جواهر لعل نهرو نخست‌وزیر وقت هند در جریان نظقی در مجلس نمایندگان هند، پیمان بغداد را موجب ضررهای غیرقابل جبران و عامل تیرگی و تشنج مناسبات خارجی دانست.

تفاوت پیمان بغداد با پیمان سعدآباد که در سال ۱۳۱۶ میان ایران، ترکیه و افغانستان به امضا رسید، این بود که در آن پیمان این سه کشور متعهد شده بودند به خاک یکدیگر تعرض نکنند ولی در پیمان بغداد، همکاری‌های متقابل نظامی پیش‌بینی شده بود و ضمن عدم حضور افغانستان اعضای پیمان بغداد شامل چهار کشور همسایه و دو قدرت بین‌المللی بود.

پیوستن ایران به پیمان بغداد

تلاش ایران برای کنار ماندن از پیمان بغداد بی‌ثمر بود و فشارهای بریتانیا و پیوستن کشورهای همسایه چاره‌ای برای ایران باقی نمی‌گذاشت. با این حال عبدالله انتظام وزیر امور خارجه وقت، در ابتدا پیوستن ایران را به چنین اتحادیه‌ای تأیید نکرد و گفت: «دولت ایران بعد از این که مطالب را مطالعه کرد، هر تصمیمی که بخواهد می‌گیرد و آزاد است و مذاکراتی که در خارج می‌شود به‌هیچ‌وجه مربوط به نظریه و مشی دولت ایران نیست.» ایران در این دوره تلاش داشت در ادامه سیاست بی‌طرفی که از اواخر دوره قاجار در مناسبات بین‌المللی داشته خود را از آسیب منازعات جهانی در امان نگه دارد؛ هر چند از این سیاست سودی عاید ایران نشده بود. در ۲۱ فروردین ۱۳۳۴ خبرنگاران در فرودگاه بیروت از حسین علاء نخست‌وزیر وقت که برای سفر درمانی در راه اروپا بود پرسیدند آیا دولت او با الحاق به پیمان دفاعی خاورمیانه موافق است یا نه؟ علاء در پاسخ گفت که دولت وی موضوع الحاق ایران را به پیمان دفاعی ترکیه - پاکستان مطالعه کرده و اخذ تصمیم در این باره محتاج مدتی وقت است و نمی‌توان عاجلاً در این خصوص تصمیم گرفت. رادیو بی‌بی‌سی نیز همان روز گزارش داد که پیشنهادی برای الحاق ایران به پیمان ترکیه - پاکستان تسلیم دولت ایران شده‌است و البته در همان زمان جزئیات پیمان بغداد بین سناتورهای مجلس شورای ملی و مجلس سنا به صورت



سپهبد امین‌آب کایا نماینده ترکیه، ارتشبد آریانا نماینده ایران در دیدار اعضای سنتو با ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا

نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا